

انتشار نتهای گیتار «پاکو دلوجیا» در بازار موسیقی

کتاب «گیتار با شکوه پاکو دلوجیا» در ۱۲۸ صفحه و شامل ۸ قطعه موسیقی از آثار معروف «پاکو دلوجیا»، پدر گیتار فلامینکو است. قطعات ارائه شده در این کتاب شامل «jerezana»، «llanto del faro»، «barrio la vina»، «de madrugada»، «puntas del faro»، «farruca de lucia» و «punta umbria» هستند که در دستگاه های گریاس، فارو کا، تینتوس، بولریاس و فاندانگود اوئلوا اجرا می شوند. خورگه بر گس در ابتدای این کتاب نوشته است: «در تاریخ موسیقی فلامینکو، پاکو دلوجیا نقطه ای محسوب می شود که بر گشت به آن امکان بذیر نیست. تنها می توان از قبل یا بعد از پاکو سخن به میان آورد. او هارمونیزاسیونی را به موسیقی فلامینکو اهدا کرد که دارای تأثیرات برجسته و آشکاری بر دنیای فلامینکو بود.»



په دلوجیا می خواننده آغاز کرد و گروهی شش نفره را با «جرج پادرو»، «کارلس بونت» و «ویسم دانتاس» یک نوازنده ی پر کاشن برزیلی تشکیل داد.

به عنوان فلامینکو مدرن، این گروه یک ساز کوبه ای جدید را با نام «کاجو پرو» معرفی کردند. آن ها این ساز را که یک جعبه چوبی شش ضلعی است در حین تور آمریکای لاتین خود کشف کردند و از آن هنگام به بعد به یک ساز اصلی موسیقی فلامینکو تبدیل شد.

با بازگشت دمو کراسی به اسپانیا، آقای دلوجیا در دهه ی ۸۰ اوقات زیادی را در خارج از کشور به سر برد. اغلب با نوازندگان برجسته ی موسیقی جز، به خصوص نوازنده های گیتار مانند «جان مک لافلین» و «آل دی میولا» همکاری می کرد. آن ها در سراسر جهان تورهای زیادی برگزار کردند و آهنگ هایشان شامل «جمعه شب در فرانسیسکو» بیش از یک میلیون نسخه به فروش رسید.

در سال ۱۹۸۹ آقای دلوجیا در تالار کارنگی، مجموعه ای از آهنگ های فلامینکو و ملودی های اندلسی به همراه سوال و جواب های مهیجی که کیفیت درخشانی داشتند را اجرا کرد. در سال ۲۰۱۲، آلبوم دوگانه از کنسرت های زنده ی او منتشر شد و آقای دلوجیا جایزه ی گرمی برای ضبط بهترین موسیقی فلامینکو را از خود کرد و اولین جایزه ی گرمی خود را در سال ۲۰۰۴ برای آلبوم «چیزهای خوب کوچک» که در آن نوازنده ی دیگری در زمینه ی گیتار فلامینکو با نام «نوما تینو» معرفی کرد، به دست آورد.

آقای دلوجیا، برخی از معتبرترین جوایز اسپانیا از جمله مدال طلای افتخار در هنرهای زیبا در سال ۱۹۹۲ و جایزه ی شاهزاده استوریا برای هنر در سال ۲۰۰۴ را دریافت کرد. او در پی انتشار مجموعه ای از آلبوم های موسیقی فلامینکو در دهه ی ۷۰ میلادی، به شهرت جهانی رسید و طی سال ها فعالیت هنری در هر دو سبک کلاسیک و جز، به نواختن پرداخت. دلوجیا همچنین با «کارلوس سانورا» فیلم ساز اسپانیایی همکاری داشت و در فیلم مشهور او «کارمن» محصول سال ۱۹۸۲ حضور داشت که موفق به دریافت جایزه ی بفتا در سال ۱۹۸۵ در بخش بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان شد.

در بیانیه ای که توسط خانواده اش در روزنامه های اسپانیایی منتشر شد، گفته شد: «پاکو همانگونه که آرزو داشت زندگی کرد و در حالی که بسیار زودانش کنار دریا با سازی می کرد در گذشت.»

مرگ او ادای احترام اسپانیا و دیگر کشورهای جهان را برانگیخت. «خوزه ایگناسیو پورت» وزیر فرهنگ اسپانیا، آقای دلوجیا را «یک شخصیت منحصر به فرد و تکرار نشدنی» خطاب کرد. «چی کوریا» نوازنده ی پیانو در بیانیه ای گفت: پاکو مراد دنیای آهنگ سازی به اندازه ی «هایلز دیویس» و «جان کولترین» یا «بارتوک» و «موتزارت» تحت تأثیر قرار داده است. «خوزه مرسه»

خواننده ی فلامینکو گفت: «در ۲۰ سال آینده هیچ کس قادر نیست به سطح آقای دلوجیا برسد.»



«پاکو دلوجیا» استاد گیتار کلاسیک در ۶۶ سالگی در گذشت

احیاگر موسیقی فلامینکو

«پاکو دلوجیا» در یک خانواده ی موسیقیدان و هنرمند به دنیا آمد و بزرگ شد تا یکی از بهترین نوازندگان گیتار جهان و استاد موسیقی فلامینکو شود. در اسپانیا جیسیسی ها (کولی ها) در گروه های کوچک با کالسه که های خود روستاها و شهرهای اسپانیا را می گردند تادر مراسم محلی و جشن های سنتی فیستا (جشن همراه با ساز و آواز) اجرا کرده و گذران زندگی کنند. در یکی از این کالسه ها، کودکی پنج ساله با گیتاری کوچک و کهنه توسط پدر و مادر نوازنده ی خود آموزش می بیند و با علاقه، موسیقی محلی و سنتی اسپانیا را به صورت سینه به سینه می آموزد. در ۱۰ سالگی اولین اجرای خود را همراه با خانواده ارائه می دهد و مورد استقبال فراوان قرار می گیرد و این آغازی بر فعالیت هنری پاکو دلوجیاست. او توانست با تلفیق این نوع موسیقی با موسیقی جز و ژانرهای دیگر، مخاطبان جدیدی بیابد. وی در روز چهارشنبه در مرکز یک در ۶۶ سالگی در گذشت. مرگ او توسط مقامات دولتی شهری که در آن به دنیا آمده بود یعنی آلیخسیراس در جنوب اسپانیا تایید شد. «گاسپار آرماندو گارسیا نوس» در یادیه مکرر یک اعلام کرد که آقای «دلوجیا» بر اثر حمله ی قلبی در حالی که تعطیلات خود را در شهر پر رفت و آمد کارائیب می گذراند در بیمارستان در گذشت. در حالی که پیکر «دلوجیا» در تالار بزرگ شهر مادریدا اوایل صبح چهارشنبه وارد شد، عزاداران گل های رز قرمز را بر تابوت او می انداختند و نام او را صدا زدند. طراح نقاش ۵۷ ساله، «خوزه ماریا گارسیا» گفت: «زبان من قاصر است، مرگ او از دست دادن بزرگی است که همه ی ما را غافلگیر کرد.»



ملینا حاجبی

آقای «دلوجیا» خود را به عنوان هنرمند پیشرو در دهه های ۶۰ و ۷۰ میلادی معرفی کرد و به ویژه پس از همکاری با «کامرون دلایلا» خواننده ای که به طور گسترده باعث احیا و ایجاد انقلابی در موسیقی فلامینکو اسپانیا شد. این دو بیش از ۱۰ آهنگ فلامینکو کلاسیک و هم تلفیقی با موسیقی پاپ و راک منتشر کردند. «کامرون دلایلا» در سال ۱۹۹۲ در گذشت. با همکاری با نوازندگان بانگو و گیتار باس الکتریکی، آقای «دلوجیا» یکی از آهنگ های گوش آشنا و معروف اسپانیایی را با نام «بین دو آب» که قسمتی از یک آلبوم بود در سال ۱۹۷۳، آخرین سال دیکتاتوری فرانکو منتشر کرد.

آقای «دلوجیا» به عنوان هنرمندی که «ریشه های سنتی فلامینکو را تحت فشار قرار داده و آن را به جلو سوق داد» معروف بود. «بن راتلیف» خبرنگار مجله ی نیویورک تایمز در سال ۲۰۰۴ در بررسی عملکرد «دلوجیا» با خواننده ها و ریتم در تئاتر منتهت در این باره مقاله ای نوشت. مهارت آقای «دلوجیا» در نواختن تکنیک های قدیمی فلامینکو مانند اجرای دقیق هر نت، نواختن انواع سازهای زهی، پنجه ای متفاوت و مهم تر از همه حسن پویایی و دراماتیک او در استفاده از فواصل چهارم مثال زدنی بود. او مرزهای فلامینکو سنتی را به ریتم، هارمونی و سازهای جهانی باز کرد. حتی زمانی که تانگو می نواخت، از آکوردهای موسیقی جز، و از گیتار باس در این موسیقی بهره می گرفت با این حال موسیقی او بی شک و مقتدرانه فلامینکو باقی ماند. آقای «دلوجیا» در سال ۲۰۰۴ در مصاحبه با روزنامه ی اسپانیایی «ال پاپس» گفت:

«من شخصی هستم که در استفاده از کلمات صحیح وسواس دارم زیرا که همیشه برای آن چیزی که فکر می کنم احترام قائم من به اصل، قدمت، حفظه و اعتبار احترام می گذارم. هر کاری که شما انجام می دهید باید اعتبار داشته باشد. مهم نیست چقدر با هارمونی باشد یا چقدر احماقانه به نظر برسد. باید رنگ و بوی فلامینکو داشته باشد.»

در همین مصاحبه، آقای «دلوجیا» از فشارهای ضبط موسیقی برای حفظ و اشاعه و یادگیری آن سخن گفت که اغلب مسئله ای

آقای «دلوجیا» خود را به عنوان هنرمند پیشرو در دهه های ۶۰ و ۷۰ میلادی معرفی کرد و به ویژه پس از همکاری با «کامرون دلایلا» خواننده ای که به طور گسترده باعث احیا و ایجاد انقلابی در موسیقی فلامینکو اسپانیا شد. این دو بیش از ۱۰ آهنگ فلامینکو کلاسیک و هم تلفیقی با موسیقی پاپ و راک منتشر کردند. «کامرون دلایلا» در سال ۱۹۹۲ در گذشت. با همکاری با نوازندگان بانگو و گیتار باس الکتریکی، آقای «دلوجیا» یکی از آهنگ های گوش آشنا و معروف اسپانیایی را با نام «بین دو آب» که قسمتی از یک آلبوم بود در سال ۱۹۷۳، آخرین سال دیکتاتوری فرانکو منتشر کرد.

وقتی که دلوجیا شروع به نواختن کرد، فلامینکو هنوز تا حد زیادی به جوامع کولی و فقیر اسپانیا محدود بود. به تدریج به عنوان یک ستاره شهرت یافت. تا قبل از مرگش، همواره یکی از بستگانش مانند کامرون دلوجیا با او همکاری می کردند تا این موسیقی در سراسر جهان گسترش یابد. در حالی که خود را در کمال فروتنی فردی از این گروه به حساب نمی آورد و آن ها را «همردمی» که برای برقراری ارتباط با زبان موسیقی مبارزه می کنند» خطاب می کرد. او گفت:

«حالا فلامینکو در هر شهر کوچکی و در هر جامعه ای نواخته می شود.»

او موسیقی فلامینکو را به موسیقی بلوز شبیه کرد، در حالی که شکل کلاسیک خود را حفظ کرده و فرمی هنری دارد. به همان شکلی که موسیقی بلوز از نیواورلئان رشد کرد، فلامینکو هم از اندلس در اسپانیا به بیرون از مرزها منتشر شد.

«برای مدتی طولانی، موسیقی فلامینکو مختص مردمی بود که دیده نمی شدند، فقیر و بی سواد بودند.» او گفت این نگرش همچنان بین تعدادی از مردم وجود دارد: «مردم زیادی در کشور من وجود دارند که هنوز برای موسیقی فلامینکو ارزش قائل نیستند زیرا آن را درک نمی کنند.»

بایبیش از ۳۰ آلبوم، دلوجیا نقش اصلی را در آوردن بداهه نوازی به موسیقی با وجود موانع اولیه ایفا کرد. با وجود تمجیدها و تحسین های فراوان، شاید انتظار می رفت که او از برگزاری تور و تولید موسیقی دست بکشد و کمی استراحت کند اما هیچ پایانی از دید او وجود ندارد.

گاهی اوقات می گوید از نواختن خسته شده است. «اما از طرف دیگر اگر ساز نزنم چه کار می توانم انجام دهم؟ نواختن، شور و شوق من برای زندگی است. من نمی توانم خانه بمانم و فقط تلویزیون تماشا کنم. هنگامی که نتوانم ساز بزنم، از نواختن دست می کشم اما هنوز کمی انرژی دارم.»

